مطالعات تاریخ اسلام
سال شانزدهم، شمارهٔ ۶۱، تابستان ۱۴۰۳، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۶۳-۹۳

واکاوی راهبرد امنیت کلان اقتصادی در سیره نبوی(ص)

زهرا بختیاری[۱]
شهلا بختیاری[۲]
غلامرضا ظریفیان[۳]
حسین راغفر[۴]

چکیده: هجرت پیامبر اکرم(ص) به مدینه سرآغاز مشکلات و معضلات مختلفی چون مشکلات فراوان اقتصادی بود که رفع این مشکلات و چالش‌ها، تدابیر و سیاست‌های خاصی را از سوی پیامبر می‌طلبید. تأمل و دقت در آیات، روایات و گزارش‌های تاریخی و نیز استفاده از شاخصه‌های موجود در علم اقتصاد، نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی پیامبر(ص) دارای سطوح گوناگونی، از جمله سطح کلان است که برای رفع نیازهای اقتصادی و تأمین امنیت اقتصادی مردم مدینه اعمال شده است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شده است با استفاده از روش تحلیل مضمون و نیز با استفاده از تعاریف موجود در علم اقتصاد، به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که سیاست‌های کلان اقتصادی پیامبر(ص) برای تأمین امنیت جامعه چه بوده است؟ و پیامبر(ص) سعی داشتند چگونه امنیت کلان اقتصادی را در جامعه برقرار سازند؟ براساس پژوهش انجام‌شده، با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با سیاست‌های کلان اقتصادی پیامبر(ص) برای تأمین امنیت اقتصادی جامعه، شش مضمون «تمرکز بر تولید»، «تمرکز بر توزیع درست»، «توجه به مصرف درست»، «استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی»، «داشتن روابط تجاری خارجی» و «توجه به پیشرفت در علوم و فنون» به عنوان مضامین فراگیر در راهبردهای پیامبر(ص) در حوزه امنیت کلان اقتصادی شناخته شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سیره نبوی(ص)، سیاست‌های کلان اقتصادی پیامبر(ص)، امنیت اقتصادی، تحلیل مضمون

شناسه دیجیتال (DOI): 00.00000/pte.00.00.0

۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. z.bakhtiari@alzahra.ac.ir
https://orcid.org/0000-0003-4485-2670
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول). sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-2259-2241
۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. zarifyan@ut.ac.ir
https://orcid.org/0009-0007-9924-5719
۴ استاد گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران. raghfar@alzahra.ac.ir
https://orcid.org/0000-0002-9783-7725
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 16, No 61, Summer 2024
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 63-93

Analyzing the Strategy of Macroeconomic Security in the Prophet's life

Zahra Bakhtiari[1]
Shahla Bakhtiari[2]
Gholamreza Zarifian[3]
Hossein Raghfar[4]

Abstract: The emigration of the Prophet to Medina was the beginning of various issues and challenges, such as many economic problems, which required special measures and policies on behalf of the Prophet in order to solve such problems and challenges. Reflection on the verses, hadiths and historical reports as well as the use of indicators in economics show that the Prophet's economic policies had various levels, including the macro level employed to meet the economic needs and ensure the economic security of the people of Medina. Therefore, the present research using theme analysis method as well as the definitions in economics, aims to answer the main questions that "What were the macroeconomic policies of the Prophet to ensure the security of the society?" and "How did he try to establish macroeconomic security in the society"? The research was conducted by examining and analyzing the themes related to the Prophet's macroeconomic policies to ensure the economic security of the society. Findings show six themes as the comprehensive themes in the Prophet's strategies in the field of macroeconomic security, including: "focusing on production", "focusing on proper distribution", "paying attention to proper consumption", "using financial resources and government revenues", "establishing foreign trade relations", and "paying attention to progress in science and technology".

Keywords: Prophet's biography, Prophet's macroeconomic policies, economic security, theme analysis.

DOI: 00.00000/pte.00.00.0
1 PhD in Islamic History, Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. z.bakhtiari@alzahra.ac.ir https://orcid.org/0000-0003-4485-2670
2 Associate Professor Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran (corresponding author). sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir https://orcid.org/0000-0002-2259-2241
3 Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran. zarifyan@ut.ac.ir https://orcid.org/0009-0007-9924-5719
4 Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. raghfar@alzahra.ac.ir https://orcid.org/0000-0002-9783-7725
Receive Date: 2024/05/03 Accept Date: 2024/08/15

مقدمه

افزایش رشد و توسعهٔ اقتصادی به منظور بالا بردن سطح اشتغال و رفاه جامعه، همواره از اولویت‌های حکومت‌ها در برقراری نظم و ثبات اجتماعی و پیشرفت جوامع بوده است. بیشتر حاکمان و سیاست‌مداران ریشهٔ حل بسیاری از مشکلات خود را در نتیجهٔ برطرف‌سازی کاستی‌های اقتصادی و رونق آن می‌دانند و همواره بر آن تأکید می‌ورزند (حبیب‌زاده و بصیری جم، ۱۳۹۴: ۸). از نظر ماندل، امنیت اقتصادی، میزان حفظ و ارتقای شیوهٔ زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی است (ماندل، ۱۳۸۷: ۸۱).

اقتصاد کلان نیز با مسائلی چون افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)، اشتغال کل و بیکاری و رابطهٔ اقتصاد با سایر کشورها سروکار دارد که تمامی این موارد از اهمیت بالایی برخوردارند. هنگامی یک اقتصاد در بهترین شرایط قرار دارد که نرخ تورم پایین و میزان تولید و اشتغال بالا باشد. توضیح عواملی چون عوامل مؤثر در ایجاد تورم، بیکاری و رشد اقتصادی از مهم‌ترین مباحث اقتصاد کلان است (پژویان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶۲). با تلفیق تعاریف آمده دربارهٔ امنیت اقتصادی و اقتصاد کلان، به نظر می‌رسد امنیت اقتصادی کلان با مواردی چون کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و ثبات بالای آن و نیز افزایش میزان تولید و اشتغال سروکار دارد. بر همین اساس، موارد مؤثر در مسائلی از قبیل پایین بودن نرخ تورم از طریق کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و افزایش ثبات آن و افزایش میزان تولید و اشتغال و مواردی از این دست، در سیرهٔ پیامبر(ص) مورد بررسی قرار گرفته است.

با توضیحات پیش‌گفته و نیز با توجه به دیدگاه برخی محققان معاصر که رونق اقتصادی مدینه و رشد اقتصادی شتابانهٔ دیگر بخش‌های عربستان را که به اسلام گرویده بودند، تا حد زیادی مدیون سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرم(ص) از قبیل تأکید بر کار تولیدی، استفاده از بیت‌المال برای کاستن از فقر و نداری در جامعه، سهیم کردن افراد در ریسک (پاداش در تولید و طرح‌های تجاری)، تشویق به دادن قرض‌الحسنه به نیازمندان به آن دسته از اصحاب که از وضع مالی بهتری برخوردار بودند، ترغیب اصحاب ثروتمند خویش به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی مثل چاه‌های آب، در جهت منافع جامعه می‌دانند (ر.ک. به: میرآخور و عسکری، ۱۳۹۴: ۳۱۷–۳۱۸)، در پژوهش حاضر تلاش شده است توجه به مسئلهٔ امنیت اقتصادی کلان در سیرهٔ

نبوی، با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد واکاوی قرار گیرد.

اگرچه پژوهش‌هایی چون «سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»،[۱] «راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی(ص) در مدینةالنبی»[۲] و «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی- دینی رسول خدا(ص) در مدینه»[۳] پژوهش‌هایی در حوزه سیرهٔ اقتصادی پیامبر(ص) به شمار می‌آیند، اما با توجه به اهمیت بررسی امنیت کلان اقتصادی در سیره پیامبر اکرم(ص) و نیاز به بسط و تحلیل در این زمینه، در پژوهش حاضر کوشش بر آن است که با استفاده از آیات قرآن کریم و داده‌های تاریخی و روایی و همچنین بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، در حد توان به بسط و تحلیل سیاست‌های کلان اقتصادی پیامبر(ص) به منظور تأمین امنیت اقتصادی جامعه پرداخته شود و شاکلهٔ کلی حاکم بر سیاست‌های کلان اقتصادی آن حضرت کشف گردد. گفتنی است این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌توانند گامی در جهت انجام پژوهش‌های تاریخی با روش‌های جدید باشند و یاری‌رسانِ تعمیق و تدقیق مسائل تاریخی شوند و زوایا و افق‌های جدیدی را در این مسیر بگشایند.

روش پژوهش

«تحلیل مضمون» یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است که از آن می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۱). درواقع، تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی معرفی شده و فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (همان، ۱۵۳). گفتنی است انعطاف‌پذیری، یکی از مزایای تحلیل مضمون است (Braun & Clarke, 2006: 78) که طیف وسیعی از ابزارها و تحلیل‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد؛ بدین معنی که می‌توان طیف گسترده‌ای از چیزها را به داده‌ها نسبت داد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۳). به عبارت دیگر، در این روش، پژوهشگر

---

۱ سعید سیدحسین‌زاده یزدی و محمدجواد شریف‌زاده (۱۳۹۵)، «سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، س۱۶، ش۶۲، صص۵-۳۱.

۲ سجاد دادفر و روح‌الله بهرامی (۱۴۰۰)، «راهبردهای اقتصادی حکومت نبوی(ص) در مدینة النبی»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، دوره چهارم، ش۱، صص۲۶۵- ۳۰۵.

۳ عبدالرفیع رحیمی و علی غلامی فیروزجائی (۱۳۹۴)، «بررسی تاریخی سیاست‌های اقتصادی-دینی رسول خدا(ص) در مدینه»، *پژوهش‌های تاریخی*، س۵۱، دوره جدید، س۷، ش۲ (پیاپی ۲۶)، صص۷۱-۸۸.

آزادی عمل بسیاری دارد و لزومی به مراجعه یا ارجاع به مبانی نظری ندارد و می‌تواند در پی کشف الگوی خویش باشد (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۹). تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در برمی‌گیرد؛ به‌طوری که در فرایند تحلیل مضمون، با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق، می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب با آن استفاده کرد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۲). شبکهٔ مضامین یکی از روش‌ها در تحلیل مضمون معرفی شده که آترایدـ استیرلینگ (۲۰۰۱) آن را توسعه داده است. شبکهٔ مضامین براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرندهٔ اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۲). بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است با بهره‌گیری از روش شبکهٔ مضامین، به بررسی و کشف چگونگی برقراری امنیت کلان اقتصادی در سیره نبوی پرداخته شود.

تمرکز بر تولید

نخستین مضمون فراگیری که از تحلیل مضامین گزاره‌های مرتبط به دست آمد، توجه و تمرکز بر تولید است که خود حاصل سه مضمون سازمان‌دهندهٔ «توسعه کشاورزی و باغداری»، «توسعه صنایع» و «فرهنگ‌سازی کار و تلاش و توجه به اشتغال‌زایی» است.

الف. توسعه کشاورزی و باغداری

اقداماتی چون تقسیم زمین‌های زراعی در وادی عقیق و در منطقهٔ عالیه میان اغلب مهاجران ـو نه گروه یا گروه‌های خاصـ که نتیجهٔ این گسترش زراعی، پدید آمدن باغ‌های زیادی در بیرون از شهر مدینه شد که بیشتر شهر را احاطه کرده بودند (ابن‌ادریس، ۱۳۹۲: ۲۱۰ـ۲۱۱). همچنین سیاست‌هایی نظیر استخدام و به کارگیری شمار انبوهی از مهاجران که به زراعت می‌پرداختند و از زمین‌های کشاورزی به شکل گسترده بهره‌برداری می‌کردند و وادی‌هایی چون وادی بطحان و اراضی غابه در شمال غربی مدینه را که دارای درختان بسیار و درهم پیچیده، از جمله درختان گز و شورگز بودند، آباد کردند و بیشتر این درختان را قطع کردند و به جای آن نهال‌های نخل کاشتند و در وادی قنات، مزارعی را به کشت گندم اختصاص دادند؛ به‌طوری که گفته شده است در یکی

از این مزارع گندم، از بیست شتر آب‌کش استفاده می‌شد؛ که این مطلب دلالت بر وسعت آن مزارع و فراوانی محصولات آنها دارد (همان، ۲۱۴). استفادهٔ بهینه و درست از آب و مدیریت صحیح آن در امور کشاورزی و باغداری که پیامدهایی چون توسعه زراعت و کشاورزی را به دنبال داشت نیز نشان از توجه فراوان پیامبر اکرم(ص) به مسئلهٔ توسعه کشاورزی و آبادانی زمین دارد. برای نمونه، منقول است که نبی اکرم(ص) دربارهٔ آبراهه‌های آب باران دستور داد که اگر آب باران به قوزک پا رسید، همسایه‌های قرار گرفته در مکان بالاتر، آب را به روی همسایه‌های پایین‌تر از خود نبندند (ابویوسف، ۱۳۹۹ق: ۱۰۲). در روایتی نیز نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود هرگاه ارتفاع آب جاری بر روی زمین به حد قوزک پا رسید، کسانی که در قسمت بالای جریان آب قرار دارند، نباید آب را بر روی مردم پایین‌تر ببندند (همان). این‌گونه مدیریت از جانب پیامبر اکرم(ص)، علاوه بر اینکه مانع درگیری و تخاصم میان افراد می‌گردید، نقش بسزایی در آبادانی زمین داشت.

پس از جنگ خیبر، موافقت پیامبر(ص) با درخواست اهالی آنجا مبنی بر اینکه با توجه به آشناتر بودن آنان به زراعت آنجا و اینکه بهتر می‌توانند آنجا را آباد کنند، پیامبر اجازه دهد در آنجا بمانند و به زراعت بپردازند و نصف درآمد و محصول خود را به مسلمانان بدهند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۳۷/۲)، می‌تواند بیانگر میزان اهمیت آبادانی زمین در نظر پیامبر(ص) بوده باشد.

سیاست‌های اقتصادی پیامبر نظیر طرح اعطای زمین از قبیل به اقطاع دادن چهار زمین فقیران، بئر قیس و الشجره به حضرت علی(ع) (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۳)، قرار دادن نخلستانی در اقطاع زبیر (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۷۶/۳)، سیاست طرح انتقال مالکیت زمین‌های بایر به آبادکنندگان آن (ر.ک. به: مالک‌بن انس، ۱۴۰۶: ۷۴۳/۲)[1] و نیز عقودی مانند مزارعه میان مهاجران و انصار (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۵۵/۴)، افزون بر ایجاد اشتغال، کمک شایانی در فرایند توسعهٔ کشاورزی و در نتیجه رشد تولید بود.

گفتنی است دربارهٔ مالکیت زمین‌های بایر توسط احیاکنندگان آن زمین‌ها نیز گفته شده که رسول خدا(ص) فرمود زمین‌های کهن و قدیمی متعلق به خداوند و پیامبر است، بعد از آن متعلق به شماست؛ بدین صورت که هر کس زمین مرده‌ای را احیا کند، متعلق به اوست و کسی که سنگ‌چینی کند، سه سال حق احیا دارد و بعد از آن حقی ندارد (ابویوسف، همان، ۶۵). این

---

۱ رسول خدا(ص) فرمود: هرکس زمین بایری را آباد کند، آن زمین برای اوست (مالک‌بن أنس، ۱۴۰۶: ۷۴۳/۲).

مسئله نشان از توجه ویژهٔ رسول اکرم(ص) به موضوع آبادانی زمین دارد؛ به‌طوری که به فرد آبادکننده سه سال فرصت احیاء زمین داده می‌شود و اگر در موعد مقرّر نتوانست آن را آباد کند و کاری در جهت آبادانی زمین مذکور انجام نداد، دیگر حقی نسبت به آن ندارد. در *کتاب الخراج* ابویوسف، پس از آوردن سخن عمربن خطاب بر بالای منبر مبنی بر اینکه هر کس زمین مرده‌ای را آباد کند، مال اوست و کسی که سنگ‌چینی کند، سه سال حق دارد تا آن را آباد کند و پس از آن حقی ندارد، آمده است که این سخن را بدان سبب گفته است که برخی افراد زمین‌هایی را سنگ‌چینی می‌کردند و در آن کاری انجام نمی‌دادند (همان، همان‌جا).

عقودی چون مزارعه با قرار دادن نیروی کار و سرمایه به نحو مطلوب در کنار هم، علاوه بر کمک به افزایش تولید، به کاستن از میزان بیکاری نیز یاری می‌رساند. افزایش میزان تولید به حل بحران‌های مختلف اقتصادی، از جمله ناامنی غذایی[1] –که به‌ویژه در سال‌های ابتدایی پس از هجرت در مدینه به چشم می‌خورد– و نیز بحران اشتغال و بیکاری می‌انجامید.

گزارش‌هایی چون کاشت گندم برای نخستین بار توسط طلحةبن عبیدالله در وادی قنات (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳/ ۱۶۶) در کنار گزارش‌های مربوط به واردات گندم به مدینه (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۹۷/۳)، علاوه بر اینکه نشان‌دهندهٔ کمبود گندم در مدینه است (ابن‌ادریس، ۱۳۹۲: ۲۱۳)، نمایانگر توجه به خودکفایی و تلاش برای دستیابی به استقلال اقتصادی در مدینه و نیز توجه به توسعه کشاورزی می‌تواند باشد. به هر حال، اقدامات پیامبر در این زمینه از بیان پاداش مسلمانانی که به کاشت درخت و نهال[2] و آبادانی زمین مبادرت می‌ورزیدند –که بیشتر بیان‌کنندهٔ جنبه معنوی و اخروی این اقدام مهم بود– تا تشویق مادی آنان با مواردی چون اعطای زمین به شخصِ آبادکنندهٔ آن (مالک‌بن أنس، ۱۴۰۶: ۷۴۳/۲)، همه نشان از توجه و عنایت خاص حضرت به این مهم دارد.

ب. توسعهٔ صنایع

صنایع مختلفی در زمان پیامبر وجود داشت که از جملهٔ آنها می‌توان به صنعت آهنگری

---

۱ ناامنی غذایی یعنی ناتوانی در دسترسی به غذاهای اولیه (Stoett & Omrow, 2021: 93).

۲ برای نمونه، در این باره در صحیح مسلم آمده است که پیامبر فرمود: هیچ مسلمانی نیست که درختی بنشاند، یا زراعتی بکارد و پرنده یا انسان یا حیوانی از آن بخورد، مگر اینکه برای وی صدقه محسوب می‌شود (مسلم‌بن حجاج، ۱۴۱۲: ۱۱۸۹/۳).

اشاره کرد. برای نمونه، روایتی که از أنس‌بن مالک نقل شده است که وی به همراه پیامبر(ص) نزد أبی‌سیف قین[۱] رفته بودند (بخاری، ۱۴۱۰: ۳۸۲/۲)، گویای وجود صنعت آهنگری در زمان رسول اکرم(ص) است. همچنین گزارش‌های تاریخی چون گزارش ابن‌سعد که خبر از دباغی و خیاطی کردن زینب بنت جحش همسر رسول خدا(ص) داده و اینکه درآمدش را در راه خدا صدقه می‌داد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۸۶/۸) و یا گزارش واقدی مبنی بر اینکه خیمهٔ پیامبر(ص) در جنگ بنی‌نضیر را ساخته شده از چرم دباغی‌شده دانسته، نشان‌دهندهٔ وجود صنایع مختلف در این زمان است.

علاوه بر وجود صنایع مختلف در زمان پیامبر اکرم(ص) در مدینه، دو نوع گزارش در منابع به چشم می‌خورد که حکایت از احتیاج مسلمانان در این زمینه دارد و ناقل ضعف‌ها و کمبودهای مسلمانان در این زمینه است.

یک نوع گزارش مستقیماً بیان می‌دارد که مسلمانان در این زمینه دچار ضعف بودند؛ چنان‌که برای نمونه گفته شده است مسلمانان در غزوهٔ خندق از یهودیان ابزارآلات زیادی در پیشبرد جنگ با دشمن به امانت گرفتند (واقدی، ۱۴۰۹: ۴۴۵/۲). از سوی دیگر، گزارش‌هایی وجود دارد که حاکی از الزام و دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان از سوی پیامبر(ص) است. در این زمینه می‌توان به گزارشی اشاره کرد مبنی بر اینکه پیامبر(ص) درباره سی نفر قین که در خیبر اسیر شده و صنعتگر، سمسار و آهنگر بودند، فرمود اینها را وا گذارید تا مسلمانان از صنعتشان استفاده کنند و در جهاد دشمن، از دست‌سازهای آنان کمک بگیرند (کتّانی، ۱۳۹۱: ۲۶۱). گزارش اخیر، افزون بر آنکه گویای احتیاج مسلمانان در این زمینه است، به توجه پیامبر اکرم(ص) نسبت به توسعه و گسترش صنایع و پیشرفت همه‌جانبهٔ مسلمانان اشاره دارد.

بیان اصول راهبردی در قالب سخنانی چون «علم را بیاموزید، اگرچه در چین باشد» (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۳۸/۱۰)، خبر از اهمیت توسعهٔ صنایع نزد پیامبر(ص) می‌دهد که نقشی مهم در افزایش تولید داشت. به هر حال، صنایع مختلف موجود در زمان پیامبر، از جمله صنعت آهنگری و دباغی (چنان‌که آمد) و نیز الزام و دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان توسط

---

۱ قین: به معنای آهنگر است و عرب بر هر صنعتگری قین اطلاق می‌کند. زجاج گفته است: قین کسی است که سر نیزه درست می‌کند. البته به معنای آهنگر هم می‌آید (کتّانی، ۱۳۹۱: ۲۶۰).

پیامبر(ص)، می‌تواند بیانگر اهمیت توسعهٔ صنایع از دیدگاه پیامبر اکرم(ص) باشد و همان‌طور که آمد، به نظر می‌رسد پیامبر(ص) در این زمینه با بیان اصول راهبردی، چون دستور به یادگیری علوم حتی از غیرمسلمانان، مسیر توسعه و پیشرفت و دستیابی مسلمانان به خودکفایی و تحقق قاعده نفی سبیل[۱] را هموار کرد.

در کنار موارد یادشده، تأسیس بازار مستقل برای مسلمانان توسط پیامبر(ص) و دقت و تلاش حضرت برای یافتن مکانی مناسب و پربازده برای این امر و نیز لغو خراج از بازار – چنان‌که گفته شده است پیامبر برای انتخاب محل بازار، به بازار بنی‌قینقاع و سپس به بازار مدینه رفت و در آنجا پای بر زمین زده و فرمود این بازار شماست، در اینجا سخت گرفته نمی‌شود و در آن خراج نمی‌گیرند (ابن‌شبه، ۱۴۱۰: ۳۰۴/۱)– و همچنین تشویق به دادوستد و تجارت – به‌طوری‌که برای نمونه، وقتی سعدبن عائذ نزد پیامبر از کم بودن دارایی خویش شکایت کرد، پیامبر به او دستور تجارت داد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵۴/۳)– توانستند بستر و شرایط لازم برای توسعه صنایع را فراهم کنند و مشوّق مسلمانان در روی‌آوری به این نوع از تولید باشند.

پ. فرهنگ‌سازی کار و تلاش و توجه به اشتغال‌زایی[۲]

فرهنگ‌سازی کار و تلاش نقش بسیار مهم و مؤثری بر افزایش تولید داشت و باعث می‌شد افراد با روی آوردن به کارهای مختلف تولیدی، مثل زراعت و کشاورزی و یا اشتغال در قسمت مربوط به صنایع، به تولید محصولات گوناگون در داخل مدینه بپردازند و گام بزرگی جهت خودکفایی و استقلال اقتصادی خود بردارند.

پیامبر(ص) به طرق مختلفی، از قبیل الگوی عملی بودن در همهٔ زمینه‌هایی که دستور به انجام آن می‌دادند و دیگران را به آن تشویق و ترغیب می‌کردند، از جمله عمل کردنِ خود حضرت به این مهم، به‌طوری که گفته شده است خودش کار می‌کرد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۲/۳)، بیان

---

۱ از جمله راه‌های سلطهٔ کفار بر مؤمنان، سلطهٔ اقتصادی است و یکی از سازوکارهای تأمین امنیت اقتصادی، دستیابی به استقلال اقتصادی است که می‌توان آن را از قاعده و آیه «نفی سبیل» استنتاج کرد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۱۹۴)؛ زیرا در سوره نساء آمده است: ﴿... ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا﴾ (سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۴۱.) ﴿خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه تسلط و سلطه قرار نداده است﴾.

۲ نظر به همبستگی و پیوند تنگاتنگِ افزایش تولید با کار و تلاش و فعالیت و با توجه به اینکه کار و تلاش نقشی بدیهی و بی‌بدیل در افزایش تولید دارد، مقوله فرهنگ‌سازی کار و تلاش و توجه به اشتغال‌زایی نیز ذیل عناوینِ مرتبط با افزایش تولید آورده شده است.

آثار مثبت کار و تلاش و اهمیت آن برای کسب روزی حلال؛ چنان‌که طبق نقلی فرموده است طلب مال حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (شعیری، [بی‌تا]: ۱۳۹) و نیز فرمود هر کس از حاصل دسترنج حلال خویش بخورد، درهای بهشت به روی او گشوده می‌شود و از هر دری که بخواهد وارد می‌شود (همان)؛ و راهنمایی و تشویق و ترغیب افراد برای کار و فعالیت؛ به‌طوری که برای نمونه در گزارش‌های تاریخی مواردی چون شکایت سعدبن عائذ مولای عماربن یاسر نزد پیامبر از کم بودن دارایی‌اش دیده می‌شود که پیامبر به وی دستور تجارت داده بود و به دنبال این راهنمایی و دستور حضرت، سعدبن عائذ به بازار رفت و مواد دباغی خرید و آن را فروخت و از این طریق سود کرد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵۴/۳). همچنین شکایت مرد انصاری از فقر نزد پیامبر که راهنمایی حضرت را بدین‌گونه به همراه داشت که به وی فرمود برو ببین چیزی پیدا می‌کنی. مرد رفت و گلیم و قدحی آورد. پیامبر گلیم و قدح را به دو درهم فروخت و فرمود با یک درهم خوراکی برای خانواده‌ات بخر و با یک درهم تیشه‌ای بخر و نزد من بیا. سپس پیامبر به او فرمود حال به این وادی برو و هیزم و خاری نکنده مگذار و پس از ده روز نزد من بیا. مرد پس از ده روز نزد حضرت رفت و عرض کرد سخنانت سبب برکت کارم شد (کتّانی، ۱۳۹۱: ۲۵۲–۲۵۳). این مقدار اهمیت پیامبر به کار و تلاش و نیز سخنان حضرت در پایان ماجرای یادشده که به مرد انصاری فرمود این بهتر است از آنکه روز قیامت با لکه یا خراش گدایی بر چهره محشور گردی (کتانی، همان، همان‌جا)، به راهبرد اصالت فرهنگ کار و فعالیت از دیدگاه نبی اکرم(ص) اشاره دارد.

عدم انحصار مشاغل به افراد خاص و آزادی افراد در این باره؛ چنان‌که پیامبر(ص) به موالی چون سعدبن عائذ هم دستور تجارت دادند؛ و نیز توجه پیامبر به مهارت افراد در کارهایی که به آنها سپرده می‌شد و اهمیت دادن به این مهم و شایسته‌گزینی؛ چنان‌که برای نمونه منقول است که پیامبر درباره طلق‌بن علی که به بنای مسجد مشغول بود، فرمود گل برایش ببرید که او بهتر بنایی می‌کند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۳۷/۳). همچنین دستور و الزام به یادگیری فنون حتی از غیرمسلمانان –چنان‌که پیشتر آمد– و عدم اختصاص خمس به کسانی که قدرت کسب داشتند (ر.ک. به: واقدی، ۱۴۰۹: ۴۱۰/۱)، از دیگر مواردی است که در این زمینه مورد توجه پیامبر(ص) بود. خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ تمرکز بر تولید در جدول شمارهٔ ۱ آمده است.

جدول شمارهٔ ۱: مضمون‌های مرتبط با تمرکز بر تولید در سیره نبوی(ص)

کد	مضمون‌های پایه	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	اعطای زمین به مهاجران	توسعه کشاورزی و باغداری	تمرکز بر تولید
۲	تشویق به احیا و آبادانی زمین/ مالکیت زمین بایر به آبادکنندهٔ آن		
۳	مدیریت صحیح منابعی چون آب در امور کشاورزی و باغداری		
۴	گسترش و توسعه کشاورزی		
۵	تشویق به کاشت درخت و زراعت، پیوند امور دنیوی به اخروی/ آبادانی زمین		
۶	بستن عقودی مانند مزارعه میان مهاجران و انصار/ ایجاد اشتغال/ کمک به آبادانی و تولید بیشتر/ پیوند میان نیروی کار و سرمایه		
۷	تولید محصولات مورد نیاز/ حرکت به سمت خودکفایی مسلمانان		
۸	موافقت با طرح اعطای نصف محصولات یهودیان به مسلمانان		
۹	صنعت دباغی	توسعه صنایع	
۱۰	صنعت آهنگری		
۱۱	دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان/ زمینه‌سازی برای خودکفایی و تولید صنایع مختلف و ضروری، از جمله نظامی[1]		
۱۲	تلاش برای خودکفایی و پیشرفت و توسعه		
۱۳	ایجاد اشتغال/ افزایش تولید	فرهنگ‌سازی کار و تلاش و توجه به اشتغال‌زایی	
۱۴	افزایش اشتغال/ افزایش تولید		
۱۵	احترام به مالکیت افراد/ کمک به افزایش تولید/ انگیزهٔ بیشتر برای کار و تلاش		
۱۶	صنایع دستی/ اشتغال		
۱۷	بیان اهمیت و ضرورت اشتغال		
۱۸	کار کردن شخص پیامبر(ص)/ الگو بودن حضرت		
۱۹	عدم اختصاص خمس به ثروتمندان و کسانی که قدرت کسب دارند/ ایجاد و رواج فرهنگ کار و اشتغال		
۲۰	اهمیت داشتن مهارت در کار		

۱ برای آگاهی بیشتر ر.ک. به: سیدحسین‌زاده یزدی و شریف‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۶.

تمرکز بر توزیع درست

نقش توزیع در اقتصاد –مانند تولید– نقشی محوری و اساسی است و بررسی منابع مختلف نیز نشان‌دهندهٔ تمرکز پیامبر(ص) بر توزیع درست است. موارد فراوانی، حاکی از تمرکز پیامبر بر این مسئله است که در ادامه مواردی از آن بیان شده است.

۱. استقلال بازار مسلمانان از بازار یهودیان

جداسازی و استقلال بازار مسلمانان از بازار یهودیان که در پی اقدام کعب‌بن اشرف یهودی مبنی بر بریدن طناب‌های بازار مسلمانان انجام گرفت (سمهودی، ۲۰۰۶: ۲۵۷/۲)، یکی از اقدامات مهم پیامبر اکرم(ص) به شمار می‌آید؛ زیرا به نظر می‌رسد یکی از راه‌های عملیاتی‌سازی قوانین جدید، جدایی از محیط و مکانِ قبلی است و این امر تأثیر بسزایی در اجرایی کردن اهداف و راه‌اندازی و پیاده‌سازی اصول و قوانینِ جدید دارد؛ زیرا تغییر مکان یکی از فاکتورهایی است که کمک‌رسان مهمی در ترک عادات بد و ناپسند است؛ چنان‌که گفته شده راهِ ترک عادات ناپسند نه در عزمِ جزم، بلکه در ساخت دوبارهٔ محیط به طرقی است که رفتارهای خوب را پایدار کند (گروپمن، ۲۰۱۹). رفتارهای اقتصادی نادرست یهودیان به گونه‌ای بود که درباره آنها گفته شده است نخستین کسانی که ربای قرضی را در میان مردم رواج دادند، یهودیان بودند (مصباحی مقدم و احمدوند، ۱۳۸۸: ۴۷–۴۸). همچنین پیامبر(ص) به منظور بر حذر داشتن و پرهیز دادن مسلمانان از غش و فریب در معامله، فرمود هر کس در خرید یا فروش با مسلمانی مکر و فریب به کار بندد، از ما نیست و در قیامت با یهودیان محشور می‌شود؛ زیرا یهودیان فریبکارترین و متقلّب‌ترین مردم نسبت به مسلمانان می‌باشند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۱۴/۴). بنابراین جداسازی و استقلال محیط توزیع مسلمانان از یهودیان که رفتارهای نامناسب اقتصادی داشتند، می‌توانست تأثیر مهمی بر توزیع درست توسط مسلمانان داشته باشد.

۲. تبیین چگونگی توزیع صحیح

منابع مورد بررسی حاکی از آموزش و تبیین شیوهٔ صحیح توزیع مبتنی بر آموزه‌های اقتصادی اسلام از قبیل نهی از غش در معامله؛ چنان‌که رسول خدا از کنار مردی که غذا می‌فروخت عبور کرد، دستش را فرو برد و دید که مرطوب است، سپس فرمود هر که ما را فریب دهد از ما نیست (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۳). نهی از احتکار و گران‌فروشی؛ به‌طوری که نقل شده است پیامبر(ص) حکیم‌بن حزام را که وقتی مواد غذایی به مدینه وارد می‌شد، همه را می‌خرید، از احتکار منع کرد (کلینی، ۱۴۰۷:

۱۶۵/۵) و نیز پیامبر در بازار از کنار مردی عبور کرد که غذایی را به بهایی بالاتر از قیمت بازار می‌فروخت، پیامبر فرمود آیا به قیمتی بالاتر از قیمت بازار ما می‌فروشی؟ (کلینی، همان، ۱۶۴)؛ و از آن سو تشویق به اموری چون وزن کردن مواد خوراکی هنگام فروش است که پیامبر(ص) این کار را موجب حصول برکت برای آنها بیان کرد (بخاری، ۱۴۱۰: ۴۸/۴). رفتارهای نامناسب اقتصادی چون غش و تقلب در معامله که کیفیت کالای مورد معامله را مورد تهدید قرار می‌داد و مواردی مانند احتکار و گران‌فروشی که کمیت آن را مورد تهدید قرار می‌داد و موجب می‌شد مردم با کمبود کالا مواجه شوند، به شدت از سوی پیامبر(ص) مورد نهی و طرد قرار می‌گرفت؛ به‌طوری که غش‌کنندگانِ در معامله از زمره مسلمانان خارج می‌شدند (ر.ک. به: ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۴ ۱۴).

پیامبر(ص) افزون بر بیان اصول راهبردی نام‌برده، به نظارت و تلاش برای حذف اختلال در عرضه کالا نیز می‌پرداختند که در ادامه به‌طور مختصر آمده است.

۳. نظارت مستقیم بر چگونگی توزیع کالا

گزارش‌های تاریخی از نظارت مستقیم پیامبر اکرم(ص) بر سیستم توزیع کالا حکایت دارد و گویای این مهم است که خود به‌طور مستقیم به نظارت و ارزیابی کار بازاریان می‌پرداخت و خطاهای فروشندگان را به آنان متذکر می‌شد و به طرق مختلفی، چون ذکر عواقبِ این‌گونه اعمال، آنان را از انجام آن پرهیز می‌داد و برحذر می‌داشت. در زمینهٔ نظارت مستقیم پیامبر بر بازار و گوشزد کردن و رهنمودهای مستقیم به افراد، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که گویای فرو بردن دست حضرت در طعام برخی فروشندگان است که در کارشان تقلب کرده بودند (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۳؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۰۸/۴؛ سمهودی، ۲۰۰۶: ۲۶۲/۲–۲۶۳) و حضرت آنها را با عباراتی چون «فردی که در کارش تقلب کند، از ما نیست»،[۱] تذکّر داده و آنان را از این کار بر حذر داشته است.

۴. نظارت غیرمستقیم بر فرایند توزیع

پیامبر(ص) علاوه بر نظارت مستقیم، به نظارت غیرمستقیم نیز توجه داشت و بدین منظور ناظرانی تعیین کرد؛ که در این زمینه از تعیین کارگزار برای بازار مدینه (ر.ک: ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۵۳/۲۹) و نیز مکه (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۰/۲) می‌توان نام برد.

---

۱ «لیس منّا من غش» (سمهودی، همان، ۲۶۳)؛ «من غشّنا فلیس منا» (ابن‌اثیر، همان؛ ابن‌حجر عسقلانی، همان).

۵. تلاش به منظور حذف اختلال در عرضهٔ کالا

تلاش به منظور حذف اختلال در عرضهٔ کالا نیز به برخورد پیامبر(ص) با خاطیان در عرصهٔ عمل و به اهتمام و تمرکز او بر توزیع درست کالا اشاره دارد. پیامبر(ص) در این زمینه علاوه بر نظارت بر کار توزیع‌کنندگان کالاها و بیان شیوهٔ درست معاملات و نهی از آلودگی‌های اقتصادی چون احتکار و گران‌فروشی که به ایجاد اختلال در عرضهٔ کالاها و مواجههٔ مردم با کمبود کالا و نیز افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شد، به برخورد عملی با خاطیان می‌پرداختند و به محتکران دستور آزاد کردن کالاهای احتکارشده و در معرض دید همگان قرار دادن و عرضهٔ آن در بازار را می‌دادند (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۳۱۷/۱۲). همچنین منقول است که در زمان پیامبر کسانی که از روی تخمین و بدون وزن و پیمانه کردن، مواد خوراکی را می‌خریدند و قبل از تحویل و در اختیار گرفتن، آن را به دیگران می‌فروختند، تنبیه می‌شدند (بخاری، ۱۴۱۰: ۵۰/۴). خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ تمرکز بر توزیع درست در جدول شمارهٔ ۲ آمده است.

جدول شمارهٔ ۲: مضمون‌های مرتبط با تمرکز بر توزیع درست در سیره نبوی(ص)

کد	مضمون‌های پایه	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	آزار و اذیت یهودیان و آسیب رساندن و مشکل‌افزایی برای مسلمانان	استقلال بازار مسلمانان از بازار یهودیان	تمرکز بر توزیع درست
۲	تأسیس بازار مستقل برای مسلمانان/ لغو خراج و مالیات از آن/ رونق اشتغال		
۳	نهی از غش در معامله	تبیین چگونگی توزیع صحیح	
۴	نهی از گران‌فروشی		
۵	نهی از احتکار کالا		
۶	برکت در وزن کردن/ تشویق به وزن کردن		
۷	نظارت پیامبر(ص) بر بازار	نظارت مستقیم بر چگونگی توزیع کالا	
۸	تعیین کارگزار برای بازار مدینه	نظارت غیرمستقیم بر فرایند توزیع	
۹	تعیین کارگزار برای بازار مکه		
۱۰	دستور آزاد کردن کالاهای احتکارشده و در معرض دید همگان قرار دادن و عرضه آن در بازار/ مبارزه با احتکار	تلاش برای حذف اختلال در عرضهٔ کالا	
۱۱	برخورد عملی با خاطیان		

توجه به مصرف درست

مصرف و مصرف‌گرایی مسئله‌ای چندبُعدی است که متأثر از عوامل متعددی چون فرهنگ عمومی، هنجارها و ارزش‌های حاکم است (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۱). توجه به مصرف درست، مضمون فراگیر دیگری است که براساس روش تحلیل مضمون، در سیرهٔ اقتصادی پیامبر(ص) به دست آمد.

۱. جلوگیری از اسراف و تقاضاهای کاذب و زمینه‌سازی برای پدید آمدن تعادل در عرضه و تقاضا

منابع مورد بررسی نشان داد که در سیرهٔ پیامبر(ص) در کنار موارد مهمی چون توجه و اهتمام به مسئلهٔ تولید و تمرکز بر توزیع صحیح، توجه به مصرف درست نیز بسیار مهم و مورد توجه و تأکید بوده است. برای نمونه، در این زمینه از رسول اکرم(ص) نقل شده است که هر کس در معیشت خود میانه‌روی ورزد، خدا به او روزی دهد و هر کس اسراف کند، خدا محرومش نماید (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴/۴). همچنین منقول است که حضرت فرمود سه چیز باعث نجات است؛ و سومی آن را رعایت اعتدال در حال توانگری و فقر معرفی کرد (همان، ۵۳/۴). رعایت این اصل راهبردی و پرهیز از اسراف، مسئلهٔ بسیار مهمی است که باید مورد توجه همگان قرار گیرد و بدیهی است که اسراف و تقاضاهای کاذب می‌تواند پیامدهایی چون اختلال در عرضه، انحراف از تقاضاهای مهم و اساسی و در نتیجه، سوق دادن مسیر تولید به سمت تقاضاهای غیرضروری و مبتنی بر اسراف عده‌ای از مردم را به دنبال داشته باشد. پیامبر(ص) از یک سو انسان‌ها را از اسراف و زیاده‌روی بازمی‌داشت و از سوی دیگر، از بخل و تنگ‌نظری و نیز تباه کردن اموال نهی می‌کرد؛ چنان‌که از او نقل شده است که: «لا منع و لا اسراف و لا بخل و لا اتلاف»[1] (ابن‌أبی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۱؛ نوری، ۱۴۰۸–۱۴۰۹: ۲۶۶/۱۵).

۲. جلوگیری از مصرف تظاهری

مصرف یکی از مهم‌ترین موضوعات در علم اقتصاد است و اهمیت آن به حدی است که نخستین اثر برجسته در اقتصاد نهادگرا را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، «وبلن» تحلیل‌های نهادی خود را در قالب نظریه مصرف آغاز کرد و آن را «مصرف تظاهری» نامید (مشهدی احمد، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

نظریهٔ وبلن که بر مبنای چشم و هم‌چشمی استوار گردیده و بر نقش کنش جمعی در هدایت

---

۱ نه تنگ گرفتن و نه زیاده‌روی و نه خست -تنگ‌چشمی- و نه تباه کردن.

کنش فردی دلالت دارد، به خوبی می‌تواند بسیاری از واقعیات اجتماعی را تبیین کند و نشان دهد که چون مبارزات مالی برای مصرف بیشتر و فخرفروشی بیشتر، اساساً مسابقه‌ای برای به دست آوردنِ اعتبار بیشتر در میدان مقایسه رشک‌انگیز است، امکان دسترسی به یک حد مطلق وجود ندارد (همان، ۱۷۴).

به نظر می‌رسد نبی اکرم(ص) به آنچه که در نظریهٔ وبلن، از آن با عنوان «مصرف تظاهری» یاد شده، توجه داشته است. در جامعهٔ عصر نبوی، رسول خدا(ص) به عنوان مؤسس در رأس امور قرار داشت و توجه او به افراد باتقوا، تشویق و ترغیب مسلمانان برای عمل به دستورهای دینی و ساده‌زیستی خودش، معادلات نظام اشرافی را بهم می‌زد و این امر موجب تشویق مسلمانان برای تقرّب به خدا و رسولش(ص) می‌شد. زمانی که ساده‌زیستی از سوی شخص مؤسّس در دستور کار قرار می‌گیرد، ثروت منزلت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و بدین ترتیب، انگیزهٔ نمایش ثروت[1] ثروتمندان از بین می‌رود و آنان انگیزه‌ای برای نمایش ثروت خویش ندارند و فقرا هم از فقر خود احساس شرمندگی نمی‌کنند (تقوی، ۱۳۹۰: ۴۶). خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ توجه به مصرف درست، در جدول شمارهٔ ۳ آمده است.

جدول شمارهٔ ۳: مضمون‌هایی دربارهٔ توجه به مصرف درست در سیره نبوی(ص)

کد	مضمون‌های پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	تأکید بر اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از اسراف	جلوگیری از اسراف و تقاضاهای کاذب و زمینه‌سازی برای پدید آمدن تعادل در عرضه و تقاضا	توجه به مصرف درست
۲	رعایت اعتدال در همه حال/ مدیریت صحیح هزینه‌ها		
۳	توجه پیامبر(ص) به افراد باتقوا	جلوگیری از مصرف تظاهری	
۴	تشویق و ترغیب مسلمانان برای عمل به دستورات دینی		
۵	ساده‌زیستی پیامبر(ص)		

۱ نمایش ثروت، به تعبیر دوزنبری «تأثیر نمایش» (Demonstration effect) به حالتی اطلاق می‌شود که ثروتمندان در آن شرایط، ثروت خود را به نمایش می‌گذارند. در این شرایط، ثروت که در دست ثروتمندان و فرزندان آنان است، تبدیل به ارزش می‌شود. این نمایش به منظور خودنمایی و برتری‌جویی است و اثرات منفی فراوانی به دنبال دارد و در برخی مواقع، شرایط جامعه نیز به این نوع رفتارها کمک می‌کند (سیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی

مضمون فراگیر دیگری که در بررسی مسئلهٔ امنیت کلان اقتصادی در سیره پیامبر(ص) به دست آمد، استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی است که خود حاصل دو مضمون سازمان‌دهندهٔ منابع مالی حکومت و مدیریت صحیح منابع مالی است.

۱. منابع مالی حکومت

منابع مالی حکومت بر مبنای درآمدهای دولت پیامبر(ص) همچون فیء، غنایم، خمس، زکات، فدیه و جزیه بود. برای نمونه، گفته شده است که در غزوهٔ بدر، از اسیران به اندازهٔ توانایی آنها فدیه گرفته شد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۶/۲) و یا هنگامی که مردم تیماء از شکست اهالی وادی‌القری توسط پیامبر(ص) اطلاع یافتند، با پیامبر به شرط جزیه مصالحه کردند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴).[۱] همچنین نقل شده است که پیامبر زمین‌ها و نخل‌های خیبر را به صاحبانش داد و مقرر شد آنان – یهودیان – نصف محصول خود را به مسلمانان بدهند (ابن‌سلام، [بی‌تا]: ۵۸۲). در گزارشی دربارهٔ زکات نیز آمده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود هر کس در زکات ناراستی کند، من آن را و همچنین نیم دارایی وی را از او می‌گیرم. این حقی از حقوق خلل‌ناپذیر خداوند است و خاندان محمد را در آن بهره‌ای نیست[۲] (ماوردی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۴).

در *الاحکام السلطانیه*، پیش از حدیث فوق‌الذکر، چنین آمده است که هرگاه فردی زکات مالش را پنهان کند و از کارگزار زکات، در صورتی که وی عادل باشد، مخفی کند، اگر کارگزار بتواند، آن زکات را از او می‌گیرد و دربارهٔ علت مخفی کردن زکات مال وی بررسی می‌کند. اگر آن شخص بدان سبب زکات مال خود را پنهان کرده است که خود آن را پرداخت کند، کارگزار او را تعزیر نمی‌کند، اما اگر زکات مال خویش را از روی حیله‌گری و بدان دلیل مخفی کرده باشد که از پرداختِ حق الهی جلوگیری کند، وی را تعزیر می‌کند؛ البته جریمه‌ای اضافه بر مقدار زکات مقرّر از وی نمی‌گیرد (ماوردی، همان، همان‌جا). گفتنی است مالک به استناد سخن منقول پیشین از رسول خدا(ص)، گفته است که کارگزار در چنین وضعیتی بخشی از مال وی را می‌گیرد (ر.ک. به: همان، همان‌جا).

اگر صحت حدیث گفته‌شده را بپذیریم، می‌توان به لزوم دریافت زکات از سوی حکومت

---

۱ بنا به نقلی، آیه ۲۹ سوره توبه، هنگام دستور به غزوه تبوک نازل گردیده (ابن‌سلام، [بی‌تا]: ۲۷) که طبق این آیه، دستور گرفتن جزیه به رسول خدا(ص) داده شد.

۲ عین عبارت چنین است: «من غلّ صدقه فانا آخذها و شطر ماله عزمه من عزمات اللّه، لیس لآل محمد فیها نصیب».

نبوی(ص) پی برد؛ البته آیه ۱۰۳ سوره توبه نیز ما را به لزوم دریافت و گرفتن زکات رهنمون کرده و از آن نیز این معنا قابل برداشت است؛ زیرا می‌فرماید: ﴿خُذ من أموالهم صدقه ...﴾ (سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۰۳). آنچه از ظاهر این آیه برمی‌آید، گرفتن زکات از اموال است.

حدیث بیان‌شده، در صورتِ صحت، افزون بر لزوم دریافت زکات از سوی حکومت (چنان‌که پیشتر گفته شد)، به مسئلهٔ دیگری نیز اشاره دارد و آن، موضوع فرار مالیاتی است؛ یعنی براساس حدیث یادشده، می‌توان وجود جریمهٔ فرار مالیاتی در زمان حکومت نبوی(ص) را برداشت و استنباط کرد. همچنین در روایتی به نقل از رسول خدا(ص) آمده است که مأمور صدقه باید هنگام مراجعت و برگشت از سوی شما راضی باشد (ابویوسف، ۱۳۹۹ق: ۸۰). این روایت به مرحله‌ای بالاتر از پرداخت زکات به حکومت اشاره دارد و آن هم این است که رفتار پرداخت‌کنندگان در پرداخت زکات باید به گونه‌ای باشد که موجبات ناراحتی و نارضایتی مأموران زکات را فراهم نیاورد.

این‌گونه روایات در کنار روایاتی که حکایت از نظارتِ پیامبر(ص) بر عملکرد مأموران مالی خود و عدم ظلم آنان به مردم دارد، از قبیل نگرفتن هدایا از مردم با سخنانی چون «هدایا العمال غلول» (ماوردی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۹) و نیز رفتارهایی چون دستور به برگرداندن اموال به صاحبان آنها در موارد خطا و اشتباه،[۱] می‌تواند نشان‌دهندهٔ چگونگی تنظیم روابط حکومت و مردم براساس عدالت، تکریم و آرامش در حکومت نبوی(ص) نیز باشد.

۲. مدیریت صحیح منابع مالی

مدیریت صحیح منابع مالی از چگونگی مدیریت منابع مالی و درآمدهای حکومتی[۲] توسط پیامبر(ص) سخن می‌گوید. مواردی چون اعطای زمین به مهاجران، مانند به اقطاع دادنِ زمینی که در آن کوه و معدن بود، به بلال (ماوردی، همان، ۲۳)؛ بهره‌مندی‌های مختلف افراد متناسب با شرایط آنان از هر یک از درآمدهای دولت اسلامی؛ چنان‌که گفته شده است درآمد خمس و درآمد فیء جداگانه بود و صدقات هم جدا بود. کسانی که از درآمد فیء بهره‌مند می‌شدند، از صدقات بهره‌ای نداشتند و

---

۱ برای نمونه، وقتی پیامبر(ص) فردی را برای جمع‌آوری زکات فرستاد و او شتران برگزیده و خوب بسیاری با خود آورد، رسول اکرم(ص) به او دستور برگرداندن اموال به صاحبانشان را داد و فرمان داد زکات را از فزونی اموال آنها دریافت کند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۳/۷).

۲ گفتنی است در این تحقیق، درآمدهای شخص پیامبر(ص)، مانند اموال مخیریق که پس از کشته شدن او در جنگ، بنا به وصیت خودش به رسول خدا(ص) رسید (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۵۱۸/۱) نیز در زمرهٔ اموال حکومتی به شمار آمد و تفکیکی در این زمینه انجام نشد.

کسانی که از صدقات بهره‌مند می‌شدند، از درآمد فیء چیزی دریافت نمی‌کردند. صدقات به یتیمان، فقیران و بینوایان داده می‌شد و زمانی که پسربچه‌های یتیم به بلوغ شرعی می‌رسیدند، دریافتی آنها از صدقات حذف می‌شد و از فیء چیزی می‌گرفتند که در آن صورت، لازمهٔ آن شرکت در جهاد بود و در صورت اجتناب از شرکت در جهاد، دیگر چیزی به آنها پرداخت نمی‌شد و اجازه می‌دادند که به دنبال کار و فعالیت دیگری بروند (واقدی، ۱۴۰۹: ۴۱۰/۱)؛ تهیه کالاهای ضروری برای حفظ آرامش و رونق اقتصاد؛ چنان‌که گفته شده است اضافه درآمد غنایم بنی‌نضیر به منظور تهیهٔ اسب و اسلحه برای جنگ به کار می‌رفت (واقدی، همان، ۳۷۸). توجه ویژه به فقرا و نیازمندان؛ چنان‌که منقول است پیامبر هیچ سائل و فقیری را محروم نمی‌کرد (همان، ۴۱۰)؛ و عدم اختصاص خمس به ثروتمندان و کسانی که قدرت کسب داشتند (همان، همان‌جا).

گفتنی است برخلاف نظر برخی محققان که براساس مواردی چون این سخن رسول خدا(ص) که اگر نزد من به اندازهٔ کوه اُحُد طلا باشد، دوست دارم که بر من سه روز نگذرد، درحالی‌که از آن دیناری نزد من باقی مانده باشد (بخاری، ۱۴۱۰: ۷۲/۱۱)، بر این باورند که سیاست پیامبر اکرم(ص) به منظور برنامه‌ریزی بلندمدت درآمدهای عمومی و یا حتی کوتاه‌مدت آن هم نبوده است، بلکه هر چه به دست رسول خدا(ص) می‌رسید، توسط او تقسیم می‌شد و اگر نیاز جدیدی به وجود می‌آمد و نزد آن حضرت(ص) چیزی برای رفع آن نیاز نبود، از مردم درخواست کمک بلاعوض –بخشش– یا استقراض می‌کرد تا آن را با درآمدهای آینده بپردازد و یا اینکه برطرف‌سازی آن نیاز را تا حصول درآمد درراه یا متوقع‌الحصول به تأخیر می‌انداخت (قحف، ۱۳۸۷: ۵۳–۵۴). در گزارش‌هایی دیده می‌شود که آن حضرت(ص) اموال و درآمدهایی را برای مواردی چون نوائب و پیشامدها کنار می‌گذاشتند (ر.ک. به: ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۹۰/۱). همچنین خرید اسلحه که پیشتر آمد و بحث قرق کردن (ر.ک. به: ماوردی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۲) نیز می‌تواند به نوعی گویای این باشد که پیامبر(ص) برنامه‌ریزی‌های دقیقی متناسب با شرایط و دستورات الهی داشتند.

دربارهٔ جمع بین روایت حاوی سخن پیامبر(ص) مبنی بر اینکه اگر نزد من به اندازهٔ کوه اُحد طلا باشد، دوست دارم که بر من سه روز نگذرد، درحالی‌که از آن دیناری نزد من باقی مانده باشد (بخاری، ۱۴۱۰: ۷۲/۱۱) و نیز روایاتی که دلالت بر مطلب یادشده دارند، با گزارش‌هایی که از حبس و نگه‌داشتن برخی اموال توسط رسول خدا(ص) برای نوائب و پیشامدها دارد، می‌توان گفت منظور آن است که پیامبر اکرم(ص) تا وقتی که آن قسمتی را که برای تقسیم در میان مسلمانان کنار

می‌گذاشتند را به‌طور کامل تقسیم نمی‌کردند، آرام نداشته‌اند و خود را ملزم می‌کردند که هرچه سریع‌تر این قسمتِ متعلق به مسلمانان و یا قسمتی که آن حضرت برای تقسیم بین آنان در نظر گرفته بودند، هرچه زودتر به‌طور کامل تقسیم گردد؛ چنان‌که در روایتی از عقبةبن حارث نیز آمده است که پیامبر(ص) بعد از خواندنِ نماز عصر، با شتاب به خانهٔ خویش رفت. از حضرت سبب شتاب پرسیده شد. آن حضرت در پاسخ فرمود در خانه مقداری طلا برای صدقه گذاشته بودم، دوست نداشتم شب در خانه‌ام باشد و آن را تقسیم کردم (بخاری، همان، ۲۵/۳). همچنین روایتی که در آن از کنار گذاشتنِ مقداری از درآمدها برای مواردی چون هزینهٔ پذیرایی از هیئت‌هایی که به ملاقات حضرت می‌رفتند، سخن گفته شده است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷: ۲۰۱/۴)، می‌تواند علاوه بر آنچه آمد، به صورت توضیح تکمیلی چنین استنباط شود که این نگهداشت اموال برای این مسئله، در شرایطی بوده که اوضاع مسلمانان بهبود یافته و بهتر از اوایل هجرت بوده است؛ چنان‌که در خودِ روایت نیز آمده است که پیامبر(ص) این نگهداشت برای هزینهٔ پذیرایی را در جریان غنایم خیبر انجام دادند (همان، همان‌جا)؛ که بدیهی است وضعیت اقتصادی مسلمانان نسبت به سال‌های ابتدایی پس از هجرت بهبود یافته بود. خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی در جدول شمارهٔ ۴ ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۴: مضمون‌های مرتبط با استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی در سیره نبوی(ص)

کد	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	خمس	از جمله منابع مالی حکومت	استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی
۲	زکات		
۳	جزیه		
۴	فدیه		
۵	اعطای زمین به مهاجران/ گسترش و توسعهٔ کشاورزی/ افزایش تولید/ اشتغال	مدیریت صحیح منابع مالی	
۶	طرح انتقال مالکیت زمین‌های بایر به آبادکنندگان آن		
۷	بهره‌مندی‌های مختلف افراد متناسب با شرایط آنان و غیره، از هر یک از درآمدهای دولت اسلامی		
۸	توجه به فقرا/ عدم اختصاص خمس به ثروتمندان و کسانی که قدرت کسب دارند/ ایجاد و رواج فرهنگ کار و اشتغال		
۹	تأمین سلاح برای دفع حملات دشمن/ تهیهٔ کالاهای ضروری برای حفظ آرامش و رونق اقتصاد/ حرکت در مسیر خودکفایی		

داشتن روابط تجاری خارجی

پنجمین مضمون فراگیری که از بررسی گزارش‌های تاریخی در این پژوهش به دست آمد، روابط تجاری خارجی است که بر پایهٔ دو مضمون سازمان‌دهندهٔ انجام معاملات با قبایل و مناطق خارج از مدینه و واردات کالاهای مورد نیاز و ضروری استوار است.

۱. انجام معاملات با قبایل و مناطق خارج از مدینه

گزارش‌های متعددی از معاملات پیامبر و مردم مدینه با قبایل و مناطق خارج از آن خبر می‌دهد و نشان می‌دهد که در سیرهٔ اقتصادی پیامبر(ص) به واردات و صادرات کالاها توجه می‌شد و از آن برای تأمین امنیت اقتصادی مردم استفاده می‌گردید. برای نمونه، در گزارش‌های تاریخی آمده است که پیامبر(ص) سعدبن زید انصاری را به نجد فرستاد و از آنجا اسب و سلاح خرید (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵۲/۳) و یا گزارشی از ابن‌سعد که از خرید اسبی از مردی از بنی‌فزاره به ده اوقیه توسط پیامبر(ص) خبر داده (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۸۰/۱) و گویای حضور برخی قبایل برای تجارت در مدینه است.

۲. واردات کالاهای مورد نیاز و ضروری

واردات کالاهای مورد نیاز و ضروری، از واردات کالاهایی که ضروری و مورد نیاز مردم بود و در آن زمینه کمبود در داخل مدینه وجود داشت، خبر می‌دهد. این کالاها از انواع مختلف خوراکی مانند گندم و غیرخوراکی مانند وارد کردن اسب و اسلحه برای جنگ با دشمنان تشکیل می‌شد که هر یک به نوعی موجبات ایجاد و حفظ امنیت اقتصادی برای ساکنان مدینه را فراهم می‌آورد. برای نمونه، گفته شده است که هنگام نماز پیامبر(ص)، کاروانی که مواد خوراکی آورده بود، از شام رسید (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۱/۴) و یا منقول است که پیامبر(ص) به کسانی که مانع شده بودند سیمویه – که از بلقاء به مدینه گندم آورده و فروخته بود– از مدینه خرما بخرد، فرمود آیا ارزانی طعامی که آورده، گرانی خرمایی که می‌برد را برای شما جبران نمی‌کند؟ بگذارید ببرد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۹۷/۳). در مورد واردات کالاهای ضروری غیرخوراکی، می‌توان از خرید اسب و اسلحه از نجد یاد کرد (ابن‌حجر عسقلانی، همان، ۵۲). خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ روابط تجاری خارجی، در جدول شمارهٔ ۵ ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۵: مضمون‌های مرتبط با روابط تجاری خارجی در سیره نبوی(ص)

کد	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	واردات مواد خوراکی به مدینه از شام	انجام معاملات با قبایل و مناطق خارج از مدینه	داشتن روابط تجاری خارجی
۲	حضور برخی قبایل برای تجارت در مدینه		
۳	واردات گندم به مدینه از بلقاء		
۴	صادرات خرما		
۵	رابطهٔ تجاری با نجد		
۶	واردات گندم	واردات کالاهای مورد نیاز و ضروری	
۷	خرید اسب و سلاح از نجد		
۸	واردات مواد غذایی		

توجه به پیشرفت در علوم و فنون

توجه به پیشرفت در علوم و فنون، آخرین مضمون فراگیری است که در این پژوهش به دست آمد. در ادامه، توضیحاتی درباره آن ارائه شده است.

۱. توجه به مهارت‌آموزی

اهمیت یادگیری و به کارگیری علوم و فنون و کسب مهارت و تخصص در زمینه‌های مورد نیاز و ضروری، از دیگر مضامینی است که در پژوهش حاضر به دست آمد. اهمیت این مورد در سیره پیامبر(ص) به قدری است که دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان داده شده است؛ چنان‌که دستور به یادگیری علم اگرچه در چین باشد (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۱۳۸/۱۰) از جملهٔ این موارد است. گفتنی است در حوزهٔ عمل نیز پیامبر(ص) کار را به کسی می‌سپرد که مهارت بیشتری در آن کار داشت؛ چنان‌که زمانی می‌خواستند منبری برای رسول اکرم(ص) بسازند، عباس‌بن عبدالمطلب گفت غلامی به نام کلاب دارد که مهارتش از همه بیشتر است. پیامبر(ص) فرمود به او بگوید تا آن کار را انجام دهد (سمهودی، ۲۰۰۶م: ۶/۲).

۲. توجه به تأمین موارد امنیتی

گزارش‌هایی چون گزارش واقدی مبنی بر اینکه پیامبر(ص) با بنی‌ضمره که از کنانه بودند، پیمان بست که آنها علیه پیامبر دسته‌بندی نکنند و کسی را علیه او یاری ندهند و میان آنها عهدنامه‌ای نوشته شد (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۲/۱)، نشان‌دهندهٔ چگونگی کنترل ناامنی‌های احتمالی از سوی دشمنان توسط پیامبر اکرم(ص) است که البته کنترل و رفع این ناامنی‌ها، آثار و پیامدهایی چون رونق اقتصاد را می‌توانست به دنبال داشته باشد.

توجه به تأمین موارد امنیتی، چه از طریق وارد کردن اسب و سلاح (ر.ک. به: ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵۲/۳) برای دفع حملات دشمن و در نتیجه تأمین امنیت اقتصادی مردم مدینه و چه از طریق یادگیری و تولید صنایع نظامی (ر.ک: کتّانی، ۱۳۹۱: ۲۶۱) دیگر مضمون سازمان‌دهنده‌ای است که در این پژوهش به دست آمد. خلاصه‌ای از مضامین استخراج‌شده دربارهٔ توجه به پیشرفت در علوم و فنون در جدول شمارهٔ ۶ ارائه شده است.

جدول شمارهٔ ۶: مضمون‌های مرتبط با توجه به پیشرفت در علوم و فنون در سیره نبوی(ص)

کد	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	صنایع دستی در زمان پیامبر(ص)	توجه به مهارت‌آموزی	توجه به پیشرفت در علوم و فنون
۲	تولید محصولات مورد نیاز		
۳	دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان		
۴	میزانِ اهمیت داشتن مهارت در کار از دیدگاه پیامبر(ص)		
۵	پیمان بستن پیامبر(ص) با قبایل اطراف/ کنترل ناامنی‌های احتمالی قبایل و رونق اقتصاد	توجه به تأمین موارد امنیتی	
۶	تهیه و تأمین کالاهای ضروری مانند سلاح برای دفع حملات دشمن که دربردارندهٔ نتایجی چون حفظ آرامش و رونق اقتصاد بود		

بر اساس آنچه آمد، چگونگی و سازوکارهای تأمین امنیت کلان اقتصادی در سیره نبوی را می‌توان در نمودارهای زیر به تصویر کشید.

نمودار شمارهٔ ۱: سازوکارهای تأمین امنیت کلان اقتصادی در سیره نبوی(ص)

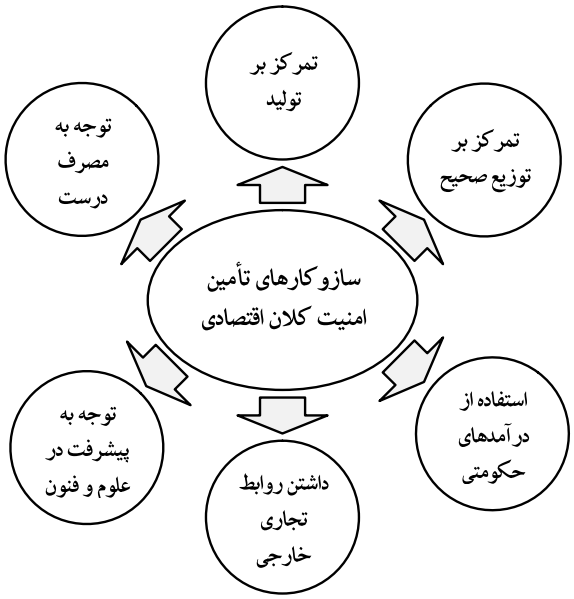

نمودار شمارهٔ ۲: شبکهٔ مضمونی سطح کلان امنیت اقتصادی براساس سیرهٔ نبوی(ص)

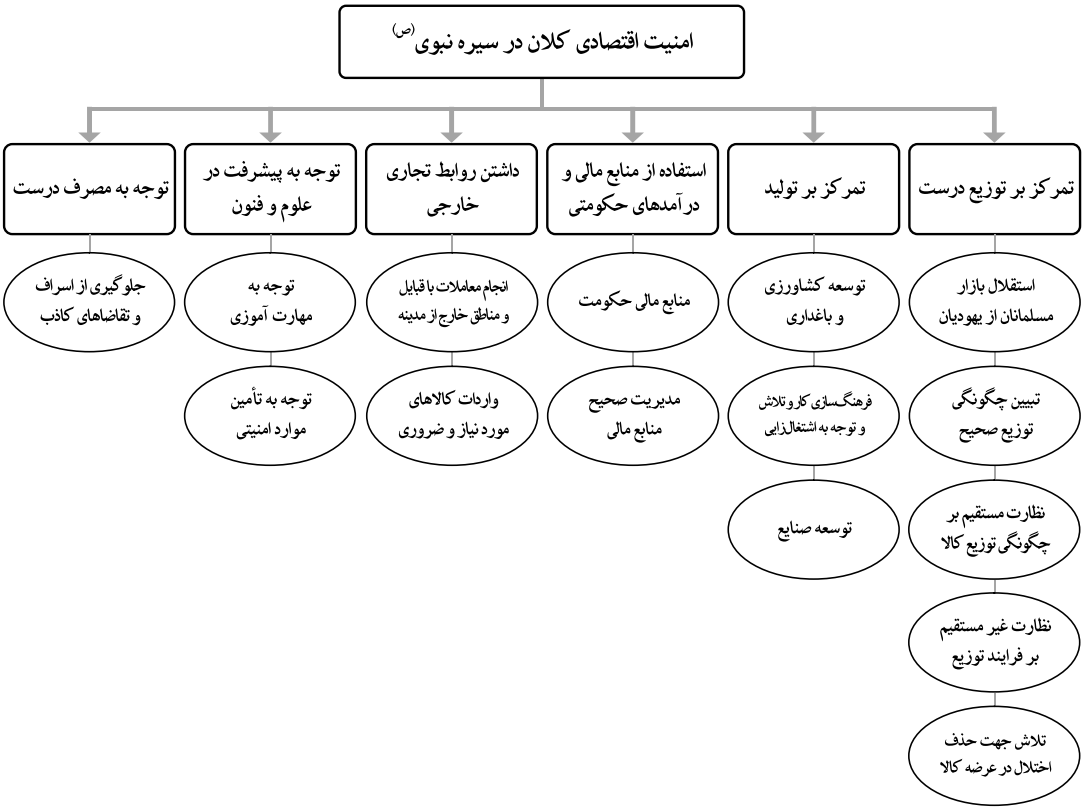

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت مسئلهٔ تأمین امنیت کلان اقتصادی جامعه و نیز ضرورت الگوگیری از سیره نبوی(ص) در همهٔ زمینه‌ها، در پژوهش حاضر سعی شد با بهره‌گیری از تعریف برگرفته از مباحث اقتصاد کلان و نیز با استفاده از روش تحلیل مضمون، با تکیه بر متون تاریخی و روایی، به بررسی تاریخی این مسئله در سیرهٔ پیامبر(ص) پرداخته شود. براساس مطالعهٔ صورت‌گرفته، با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با راهبرد امنیت کلان اقتصادی در سیره نبوی(ص)، شش مضمون فراگیر شناسایی و استخراج گردید. در این باره با توجه به اینکه امنیت کلان اقتصادی با مواردی چون سطح عمومی قیمت‌ها و میزان ثبات آن و نیز افزایش میزان اشتغال سروکار دارد، به نظر می‌رسد موارد استخراج‌شده از سیره نبوی(ص)، در برقراری امنیت کلان اقتصادی در جامعه تأثیر بسزایی داشت؛ زیرا توجه فراوان پیامبر به مسئلهٔ تولید با اقدامات مختلفی چون اِعمال سیاست‌های گوناگون در این زمینه، از قبیل اعطای زمین، انتقال مالکیت زمین‌های بایر به آبادکنندگان آن، عقودی مانند مزارعه میان مهاجران و انصار و نیز الزام و دستور به یادگیری علوم و فنون حتی از غیرمسلمانان، با افزایش میزان تولید و افزایش تعداد افراد شاغل در این قسمت همراه بود که از یک طرف به ثبات قیمت‌ها کمک می‌کرد و از طرف دیگر، میزان اشتغال افراد را بالا می‌برد. همچنین توجه ویژهٔ آن حضرت به فرهنگ‌سازی کار و تلاش که در روند افزایش تولید و پیشرفت جامعه بسیار حائز اهمیت بود و به اَشکال گوناگونی چون توجه داشتن پیامبر(ص) نسبت به این مهم و الگو بودن خودِ حضرت، بیان آثار مثبت کار و تلاش و اهمیت آن برای کسب روزی حلال و همچنین راهنمایی و تشویق و ترغیب افراد برای کار و فعالیت، از موارد مهم و مؤثر در افزایش میزان اشتغال افراد به حساب می‌آید.

در کنار توجه به افزایش تولید، موارد مهمی چون تمرکز بر توزیع درست کالاها –که مانعی قوی از آلودگی‌های اقتصادی و عاملی مهم در ثبات قیمت و عدم مواجههٔ مردم با کمبود کالا بود– مورد توجه جدی قرار گرفت. توجه به مصرف درست که با جلوگیری از اسراف و تقاضاهای کاذب و اضافی می‌توانست زمینه‌ساز تعادل در عرضه و تقاضا باشد نیز مورد توجه پیامبر(ص) بود. مسئلهٔ داشتن روابط تجاری خارجی و انجام معاملات با قبایل و مناطق خارج از مدینه و واردات کالاهای مورد نیاز و ضروری از دیگر مواردی است که از نظر پیامبر(ص) دور نماند و به منظور تأمین امنیت اقتصادی و پیشرفت جامعه مورد توجه قرار گرفت. همچنین

استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی و توجه به پیشرفت در علوم و فنون برای رفع مشکلات جامعه، از جمله تصمیماتی بود که گره‌گشای مشکلات اقتصادی جامعه در بخش‌های مختلف بود.

بدین ترتیب، با استفاده از روش تحلیل مضمون در این مقاله، الگویی به دست آمد که نشان‌دهندهٔ شاکلهٔ کلی حاکم بر سیاست‌های کلان اقتصادی پیامبر(ص) برای تأمین امنیت اقتصادی جامعه است. در این الگو، شش مضمون تمرکز بر تولید، تمرکز بر توزیع درست، توجه به مصرف درست، استفاده از منابع مالی و درآمدهای حکومتی، داشتن روابط تجاری خارجی و توجه به پیشرفت در علوم و فنون، به عنوان مضامین فراگیر برای تأمین امنیت اقتصادی جامعه براساس سیرهٔ نبوی(ص) به دست آمد.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم*
- ابن‌أبی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین (۱۴۰۳)، *عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة*، ج۱، قم: مؤسسة سیدالشهداء(ع).
- ابن‌اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۹)، *أسد الغابه*، ج۳، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌ادریس، عبدالله عبدالعزیز (۱۳۹۲)، *جامعه مدینه در عصر نبوی(ص)*، ترجمهٔ شهلا بختیاری، تهران: سمت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن‌بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، ج۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵)، *الإصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج۳، ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌سعد (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۱، ۲، ۳، ۷، ۸، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌سلام، أبوعبید [بی‌تا]، *کتاب الأموال*، تحقیق خلیل محمد هراس، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌شبه (۱۴۱۰)، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، ج۱، قم: دار الفکر.
- ابن‌عساکر، علی‌بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق و تصحیح علی شیری، ج۲۹، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌کثیر، أبوالفداء اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، ج۴، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌هشام [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج۱، ۲، بیروت: دارالمعرفة.

- ابویوسف، یعقوب‌بن ابراهیم (۱۳۹۹ق)، *کتاب الخراج*، بیروت: دار المعرفة.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷)، «امنیت اقتصادی و راهکارهای تأمین آن در آموزه‌های قرآنی و روایی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، ش۲، صص ۱۸۳–۲۱۵.
- بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۱۰)، *صحیح*، ج۲، ۴، ۱۱، قاهره: لجنة إحیاء کتب السنة.
- بلاذری، أحمدبن یحیی (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبة الهلال.
- پژویان، جمشید، فرهاد خداداد کاشی و یگانه موسوی جهرمی (۱۳۸۹)، *کلیات علم اقتصاد*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- تقوی، هدیه (۱۳۹۰)، «چالش سنت با دین در بُعد اقتصادی در عصر نبوی»، *تاریخ اسلام*، س۱۲، ش ۱ و ۲ (شماره مسلسل ۴۵– ۴۶)، صص۳۷–۵۵.
- حبیب‌زاده، توکل و علی‌اصغر بصیری جم (۱۳۹۴)، «الزامات ناشی از موافقت‌نامه ضوابط تجاری مرتبط با سرمایه‌گذاری (تریمز)؛ چالشی برای امنیت اقتصادی کشور»، *فصلنامه آفاق امنیت*، س۸، ش۲۹، صص ۷–۲۷.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۲)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تصحیح و تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، ج۱۲، تهران: مکتبة الاسلامیة.
- سمهودی، نورالدین علی‌بن أحمد (۲۰۰۶م)، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*، ج۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سیدحسین‌زاده یزدی، سعید و محمدجواد شریف‌زاده (۱۳۹۵)، «سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش۶۲، صص۵–۳۱.
- سیدی‌نیا، سید اکبر (۱۳۸۸)، «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، س۹، ش۳۴، صص۱۵۱–۱۷۸.
- شعیری، محمدبن محمد [بی‌تا]، *جامع الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریة.
- عابدی جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، س۵، ش ۲ (پیاپی ۱۰)، صص۱۵۱–۱۹۸.
- قاسمی، یارمحمد و علی هاشمی (۱۳۹۸)، «انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک؛ راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام)»، *فرهنگ ایلام*، دوره بیستم، ش۶۴ و ۶۵، صص۷–۳۳.
- قحف، منذر (۱۳۸۷)، *سیاست‌های مالی و نقش آن در نظام اسلامی*، ترجمهٔ مهدی لطیفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- کتّانی، عبدالحی (۱۳۹۱)، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمهٔ علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت.
- کلینی، محمدبن یعقوب‌بن اسحاق (۱۴۰۷)، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی،

ج۴، ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گروپمن، جروم (۲۰۱۹)، «ترک عادت‌های بد ربطی به اراده قوی ندارد»، ترجمهٔ علی امیری، *وب‌سایت ترجمان*. https://tarjomaan.com
- مالک‌بن أنس (۱۴۰۶)، *الموطأ*، ج۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمهٔ پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماوردی، علی بن محمد بن حبیب (۱۴۰۹ق)، *الاحکام السلطانیه و الولایات الدّینیّه*، تحقیق احمد مبارک البغدادی، کویت: مکتبة دار ابن قتیبه.
- متقی هندی (۱۴۰۱)، *کنز العمال*، تحقیق بکری حیانی – صفوة السقا، ج۱۰، [بی‌جا]: مؤسسة الرساله.
- مسلم‌بن حجاج (۱۴۱۲)، *صحیح مسلم*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج۳، قاهره: دارالحدیث.
- مشهدی احمد، محمود (۱۳۹۲)، «بررسی مبانی نظریه مصرف نهادگرا: نگاهی به اندیشه‌های وبلن»، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، دورهٔ نهم، ش۱، صص۱۵۷–۱۸۶.
- مصباحی مقدم، غلامرضا و خلیل‌الله احمدوند (۱۳۸۸)، «ابعاد شناخت ربای جاهلی»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ش۲، صص۳۷–۷۰.
- میرآخور، عباس و حسین عسکری (۱۳۹۴)، *اسلام و مسیر توسعهٔ اقتصادی و انسانی*، ترجمهٔ علی باقری دولت‌آبادی، قم: دانشگاه مفید.
- نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸–۱۴۰۹)، *مستدرک الوسائل*، تحقیق مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ج۱۵، بیروت: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- واقدی (۱۴۰۹)، *کتاب المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، ج۱، ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی.

منابع لاتین

- Braun, Virginia & Victoria Clarke (2006), “Using thematic analysis in psychology”, *Qualitative Research in Psychology*, Vol.3, No.2, pp.77-101.
- Peter Stoett and Delon Alain Omrow (2021), Spheres of Transnational Ecoviolence (Environmental Crime, Human Security, and Justice), Canada: Palgrave Macmillan.

List of sources with English handwriting

- The Holy Quran
- Abedi-Jaafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Saeed; Faqihi, Abolhasan and Sheikhzadeh, Mohammad (2017), "Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities)", *Strategic Management Thought,* 5th year, 2nd issue, serial number 10, 151 -198. **[In Persian]**

- Abū Yūsuf Ya‘qūb b. Ībrahīm (1987*), Kītab ul-ḵaraǰ*, Beirut, Dār ul-Ma‘rīfa. **[In Persian]**
- Akhawan-Kazemi, Bahram (2008), "Economic Security and Mechanisms of Providing it in the Quran and Hadith Teachings", *Studies of Quran and Hadith*, Volume 2, pp. 183-215. **[In Persian]**
- Balāḏorī, Aḥmad b. Yaḥyā (1988), *Fotūḥ ul-Boldān*, Beirut: Maktabat ul-Hīlal. **[In Persian]**
- Boḵārī, Moḥammad b. Īsma‘īl (1989), *Ṣaḥīḥ*, Cairo: Lajnah, Īḥyā‘ Kotob Al-Sunnah. **[In Persian]**
- Dadfar Sajjad, Ruholah Bahrami (2021), "Economic strategies of the Prophet's (PBUH) government in Medina", *International Political Economy Studies*, 4th period, 1st issue, 305-265. **[In Persian]**
- Ghasemi, Yarmohammad, Hashemi, Ali (2018), " Doing a Research by Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching (Case Study: Music usage of M.A. Students at Ilam University)", *Farhang-e Ilam*, Volume 20, Vol. 64 and 65, 33-7. **[In Persian]**
- Habibzadeh, Tavakkul, Ali Asghar Basiri Jam (2014), "Requirements arising from the Business Agreement on Investment Challenge to the Economic Security of the Country", *Security Horizons Quarterly*, Year 8, No. 29, pp. 7-27. **[In Persian]**
- Ḥor ‘Āmelī, Moḥammad b. Ḥassan (1993), *Wasā’īl al-šī‘a*. Edited and researched by Sheikh Abdul Rahim Rabbani Shirazi, vol. 12, Tehran: Maktabat ul-Īslamīya. **[In Persian]**
- Ībn ‘Asākīr, ‘Alī b. Ḥasan (1994), *Tarīḵ-ī Madīnat Dīmašq*, researcher/corrector: Ali ¬Shiri. Beirut: Dār ul-Fīkr. **[In Persian]**
- Ībn Abī ǰomhūr, Moḥammad b. Zaīn ul-Dīn (2023), *‘Awalī al-Lī’alī al-‘Azīzīyya fī al-Aḥadīṯ al-Dīnīyah,* Qom: Mo’asīsa Sayyed al-šohada. **[In Persian]**
- Ībn al-šoba (1989), *Tarīḵ al-Madīnah al-Monawarah*, researcher/corrector: Shaltut, Fahim Mohammad, Qom: Dār ul-Fīkr. **[In Persian]**
- Ībn Aṯīr, ‘Alī b. Moḥammad (1990), *Osd ul-Ḡāba*, Beirut: Dār ul-Fīkr. **[In Persian]**
- Ībn Bābawayh, Moḥammad b. ‘Alī (1993), *Man la Yaḥḍoroho al-Faqīh*, revised and revised by Ali Akbar Ghafari, Qom: Islamic Publications Office. **[In Persian]**
- Ībn Ḥaǰar ‘Asqalānī, Aḥmad b. ‘Alī (1995), *Al-Īṣaba fī Tamīz Ṣaḥāba*, research of Adel —Ahmad —Abd al-Mojoud and Ali —Mohammad —Moawaz, vol. 3 & 4 Beirut: Dār al-Kītab ‘Īlmīyah. **[In Persian]**
- Ībn Hīšam (n.d), *Sīrat ul-Nabawīyyah*, research by Mostafa Al-Saqqa, Ibrahim-Abiari and Abdul-Hafiz-Shalabi, Beirut: Dār ul-Ma‘rīfa. **[In Persian]**
- Ībn Īdrīs, ‘Abdullah ‘Abd ul-‘Azīz (1972), *ǰāme‘eh Madīneh dar ‘Aṣr-e Nabavī*, translated by Shahla Bakhtiari, Tehran: Samt, Qom: Research Center and University. **[In Persian]**
- Ībn Kaṯīr, Abū al-Fīda Īsma‘īl b. ‘Omar (1986), *Al-Bīdāya wa al-Nīhāya*, vol. 4, Beirut: Dār ul-Fīkr. **[In Persian]**

- Ībn Sa‘d (1990), *al-Ṭabaqāt ul-Kobrā*, research by Mohammad Abd al-Qadir Atta, vol. 1, 2, 3, 7 Beirut: Dār ul-Kotob ul-‘Īlmīyah. **[In Persian]**
- Ībn Salām, Abū ‘Obaīd (n.d), *Kītāb Amwāl*, research by Khalil Mohammad Haras, Beirut: Dār ul-Fīkr. **[In Persian]**
- Jerome Gropman (2019). *Quitting bad habits has nothing to do with strong will*, Translated by Ali Amiri (2018). Interpreter website **[In Persian]**
- Kattani, Abdul Hai (2012), *Administrative System of Muslims in beginning of Islam*, Translated by Alireza Zekavati Qaraguzlou, Qom: Research Center and University, Samt. **[In Persian]**
- Koleīnī, Moḥammad b. Ya‘qūb b. Īsḥāq (1986), *Kāfī, researcher/corrector: Ali-Akbar-Ghafari and Mohammad-Akhundi,* Tehran: Dār al-Kītab- ul-Īslamīya. **[In Persian]**
- Mālīk b. Anas (1985), *Al-Mūwaṭa*, vol.2, Beirut: Dār Aḥyā Al-Traṯ Al-‘Arabī. **[In Persian]**
- Mandel, Robert (2007), *The changing face of national security: a conceptual analysis*, translated by Strategic Studies Research Institute, Tehran, Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
- Mashhadi Ahmad, Mahmoud (2012), "Exploring the Foundations of Consumption Theory of Institutional Economics: a View on Veblen's Ideas", *Economic Studies and Policies*, Volume 9, Volume 1, pp. 157-186. **[In Persian]**
- Māwardī, ‘Alī b. Moḥammad b. Ḥabīb (1989), *Kītab al-Aḥkām al-Solṭānīyah wa al-Wīlāyāt al-Dīnīyah*, researched by Ahmad Mobarak al-Baghdadi, Kuwait: Maktaba Dār Ībn Qotaība. **[In Persian]**
- Mesbahi-Moghadam, Gholam-Reza, Ahmadvand, Khalillula (2009). *The dimensions of knowledge, abduction, and ignorance*. Studies in Islamic Economics, (2), 37-70. **[In Persian]**
- Mirakhor, Abbas and Askari, Hossein (2014), *Islam and the Path of Economic and Human Development*, translated by Ali Bagheri Dolat-Abadi, Qom: Mofid University. **[In Persian]**
- Moslīm b. Ḥaǰāǰ (1992), *Ṣaḥīḥ Moslīm*, researched by Mohammad Fouad Abd al-Baqi, vol. 3, Cairo: Dār ul-Ḥadīṯ. **[In Persian]**
- Mottaqī-Hīndī (1980), Kanz ul-‘Ummāl, *research of Bakri ¬Hayani-Safouh al-Saqqah*, vol.10, n.p: Al-Rasalah Institute. **[In Persian]**
- Nourī, Ḥosseīn b. Moḥammad Taqī (1989), *Mostadrak al-Wasā’īl, Research of Al-Al-Bayt Lī Aḥyā Al-Traṯ Institute*, vol. 15, Beirut: Al-Al-Bait Lī Aḥyā Al-Traṯ. **[In Persian]**
- Pajuyan, Jamshid, Khodadadkashi, Farhad, Mousavi-Jahromi, Yeganeh (2009), *General science and economics*. Tehran: Payam Noor University. **[In Persian]**
- Qahaf, Munzar (2007), *financial policies and their role in the Islamic system (first edition)*, translated by Mehdi Latifi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. **[In Persian]**
- Rahimi, Abdol Rafi, Ali Qolami Firuzjayi, "THE HISTORICAL INVESTIGATION

OF THE ECONOMICAL - RELIGIOUS POLICIES OF PROPHET OF ISLAM IN MADINEH", *Historical Researches,* 51st year, new period, 7th year, 2nd issue (26 consecutive), 2014 , pp. 71-88. **[In Persian]**

- Samhūdī, Nor ul-Dīn ‘Alī b. Aḥmad (2006), *Wafa’ ul-Wafa’ bī Aḵbar Dār al-Muṣṭafa*, vol. 2, Beirut: Dār ul-Kītab ul-‘Īlmīya. **[In Persian]**
- Seyedinia, Seyyed Akbar (2008), "CONSUMPTION AND CONSUMERISM FROM THE VIEWPOINT OF ISLAM AND ECONOMIC SOCIOLOGY", *Islamic Economy*, ninth year, number 34, pp. 151-178. **[In Persian]**
- Seyyed Hosseinzadeh Yazdi, Saeed and Mohammad Javad Sharifzadeh (2015), " THE CONDUCT OF PROPHET MOHAMMAD (PBUH) IN CONFRONTING WITH THE ECONOMIC THREATS", *Islamic Economy*, Vol. 62, 5-31. **[In Persian]**
- šo‘ayrī, Moḥammad b. Moḥammad (n.d), *ǰāmī‘ ul-Aḵbār*, Najaf: Maṭba‘a Ḥaīdarīyya. **[In Persian]**
- Taqavi, Hedieh (2010), "Challenge of Tradition with Religion in Economic Aspect in Prophet Century", *Islamic History*, 12th year, first and second issue, serial number 46-45, pp. 37-55. **[In Persian]**
- Waqīdī (1989), *Kītab ul-Maǧāzī*, research by Marsden Jones, vol.1, 2, Beirut: Al-‘Elmīyya Institute. **[In Persian]**